



اعلامیه انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بمناسبت دهم دسامبر روز بین المللی حقوق بشر

ما و منشور حقوق بشر

دفاع از: **WORLD HUMAN RIGHTS DAY**

صلح ، آزادی ، مساوات ، عدالت و توسعه

قبل از پرداختن به اصل موضوع بحث، بسیار ضرور است تا به این سوال پاسخ روشن ارائه نمایم که: چرا تجلیل و تبجیل از روز جهانی حقوق بشر برای افغانان و افغانستان اهمیت حیاتی دارد؟

جواب مشخص و موجز این است که :

هست و بود افغانستان و سرنوشت افغانان در گرو چگونگی پرداختن بحث با سه موضوع زیر قرار دارد :

- صلح و امنیت

- عدالت

- توسعه و ترقی

در واقع هر سه موضوع با هم مرتبط و ملزوم همدیگر اند و اعلامیه جهانی حقوق بشر منشور حقوق بشر که با تصویب میثاقها و اسناد ناشی از ان ، بحیث منشور حقوق بشر شناخته میشود ، راه های حل اساسی و جهانشول را مطرح مینماید که در حل و فصل مسایل و مصایب افغانان و افغانستان رهگشا میباشند .

اگر قبل از (۱۹۴۸ م) موضوعات بالا موارد بحیث های سیاسی و فرهنگی مطرح بودند ، امروز بمتابه نورمهای حقوق بین المللی از طرف اکثریت قریب به اتفاق کشور های جهان برسمیت شناخته شده و با تسجیل در قوانین داخلی الزام اور میباشند .

در احوالیکه افغانستان اماج ذهنیت تکفیری و تلاش گسترده بخاطر انفاذ " شریعت من دراوردی" گروههای افراطی دهشت افگن میباشند ، چنگ زدن به منشور حقوق بشر راه را به حاکمیت قانون باز مینماید که فقدان ان یکی از عوامل اساسی مصیبت جاری در کشور میباشند .

مصیبت افغانستان ، داستان غم انگیز نقض مستدام حقوق بشر میباشند که با شدت تداوم دارد و کشور ما به بزرگترین قربانی حقوق بشر و قبرستان ارزشهای آن مبدل ساخته شده است .

پیامد هولناک این فاجعه حقوق بشری، محروم شدن افغانان از حقوق اساسی زندگی و منجمله حق حیات و کشور شان از حق گذار بشاهراه صلح و ترقی میباشند .

موارد اسفبار فوق ، دادخواهی بخاطر حقوق اساسی مردم و احیای حق حاکمیت ملی در دستور کار قرار دارد که مبین میرمیت دفاع از منشور حقوق بشر و تجلیل و تجلیل از روز جهانی حقوق بشریت میباشند .

متأسفانه طی این هفتاد و یک سال ، استفاده ابزاری از اعلامیه جهانی حقوق بشر و برخورد ایدئولوژیک با آن بخاطر مقاصد اهداف سیاست خارجی ، باعث گردیده تا اصول زرین مندرج در منشور حقوق بشر

تحت الشّعاع اعمال ناقضان داخلی و بین المللی آن قرار گیرد و این واقعیت تلخ ضرورت تفکیک و مرز میان اصول و ناقضان ارزشها را مبرهن میسازد .

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب سال (۱۹۴۸ م) سازمان ملل متحد در واقع محصول مبارزات قرون واعصار ابنای بشر در راستای حقوق انسانی و دفاع از کرامت انسانی میباشند .

در اعلامیه جهانی حقوق بشر حفظ کرامت انسانی در راستای حق زندگی ، آزادی ، برابری ، برادری ، مساوات ، عدالت ، آزادی وجدان ، دین و اندیشه بحساب حق ذاتی انسان ، بدون هر نوع تبعیض و تمایز ، مسجل گردیده است که تکمیل ان در وجود میثاقها و اسناد بعدی بمتابه منشور حقوق بشر با تاریخ

، ارزشهای فرهنگی و دین و آیین مردمان شرق ، حوزه تمدنی و کشور کهن و باستانی ما ، همخوانی دارد .

سیر حوادث چند قرن اخیر در انگلستان و اسناد ذیقیمت تاریخی منجمله اعلامیه استقلال امریکا (۱۷۷۶ م) ، اعلامیه حقوق شهروندان در فرانسه (اگست ۱۷۸۹ م) ، تاسیس جامعه ملل (۱۹۱۹ م) و تاسیس سازمان ملل متحد و انفاذ منشور ان ، پیش زمینه های تدوین و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر میباشند . در سالهای بعدی تصویب کنوانسیونها و میثاقهای معتبر جهانی و بویژه میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق جهانی حقوق اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶ م) و اسناد پر ارزش بعدی ، معرف معیار های حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در حقوق بین المللی معاصر میباشند .



پرسش مبرم کنونی این است که : چگونه در موجودیت چنین منشور ذیقیمت حقوق بشر و معیار های نجات بخش حقوقی ، جامعه بشری طی این هفتاد و یک سال در مسیر تحقق ان ناکام اند ؟

عامل اساسی ناکامی در عدم ناکارایی سازمان ملل متحد نهفته است که سکندار اصلی ان ، اعضای دایمی شورای امنیت ان سازمان میباشند که متاسفانه در جمع ناقضان موازین منشور حقوق بشر قرار دارند ، کافی متذکر شویم که طی نیم قرن (۷۷) بار قطعنامه شورای امنیت در مورد محکومیت اسرائیل ، ویتوگریده است .

ایالات متحده امریکا بمثابة بزرگترین امپراطوری جهان همین اکنون در (۶۶) کشور جهان زندانهای مخفی دارد .

امروز خطرات محیط زیست بالاتر از خطر اتمی محاسبه میگردد و سه کشور بزرگ عضو شورای امنیت (ایالات متحده امریکا ، فدراتیف روسیه و چین) که در خرابی محیط زیست سهم بالا دارند ، از عضویت درین کنوانسیون اجتناب مینمایند .

نابرابری سونامی مدهشی است است که موجودیت جامعه بشری را تهدید و عامل بسیاری از مصایب بشریت میباشد که متاسفانه سیر صعودی دارد که این ارقام جانگاہ مبین آن میباشد :

(٤٣) فیصد زمین در جهان ، فقط در اختیار يك فیصد تعلق دارد و نود فیصد نفوس جهان ، فقط (١٧)
(فیصد زمین را در اختیار دارد . يك فیصد نفوس جهان ، (٨٢) فیصد ثروت را تصاحب نموده است
و تنها هشت ملیارد در برابر به نیم نفوس جهان ثروت دارند و فقط پانزده کشور بزرگ صنعتی ، (٧٥)
(فیصد ثروت جهان را در اختیار دارند .

در افغانستان آفت جنگ و فقدان دولت مقتدر و حاکمیت قانون باعث گردیده که يك اقلیت منفور غاصب
و چپاولگر به قیمت تباهی اکثریت مردم ، " گنج های قارونی " را تصاحب و سه اکثریت بزرگ :
- زنان

- جوانان
- فقیران
را با طاعون فقر به نابودی بکشانند .
پیامد این غارتگری و وحشتناک نابودی والاترین ارزشهای حقوق بشری و دولت فساد ، موبوکرایی و
کلیتوکراسی (بجای دیموکراسی) در کشور است .
با کمال تأسف ، موارد فوق در افغانستان حالت خوفناک " نقض مستدام حقوق بشر " (continuing human right violation) را مستولی ساخته است .

دوام جنگ خانمانسوز ، حملات انتحاری ، انفجار ، ترور ، بمبارد های شبانه ، کشتار اهالی ملکی و
حمله بر تأسیسات ملکی موسسات خیریه خارجی و ... از وقوع روزمره جرایم هولناک خبر میدهند که
مطابق به احکام میثاقهای جهانی و منجمله کنوانسیونهای چهار گانه ژینو :

- جنایت جنگی

- جنایت علیه بشریت

- جنایت ضد بشری

ردیف بندی گردیده اند و :

- دولت

- قوای نظامی ناتو و امریکا

- طالبان و سایر گروه مسلح دهشت افگن

هر کدام و البته با تفاوت ها در رابطه ملزم و مقصر میباشند .

" فرهنگ " معافیت و عدم محاکمه مجرمان گوشه دیگر از تداوم تراژیدی افغانستان است و تا کنون در هیچ مورد نظامیان خارجی متهم به جرایم جنگی محاکمه نشده اند و به تقاضای محکمه بین المللی جزایی ، دولت امریکا پاسخ مثبت نمیدهد .

دلایل فروان در مورد " نقض مستدام حقوق بشر " و " فاجعه حقوق بشر " در افغانستان وجود دارد و

شاید " پروژه " ساختن حقوق بشر و استفاده ابزاری سیاسی و انجویی از عوامل اساسی باشد که نسبت عدم دستاورد مشهود ، مردم نسبت به منشور نجات بخش حقوق بشر بی باور گردند .

احترام بحقوق بشر (Respect for human rights) بمثابة يك اصل اساسی ، زمانی در جامعه ریشه میگیرد که مدعیان خود ، مثال در زمینه باشند و در همچو حالت ، اصل کلتور حقوق بشر (Culture of human rights) میتواند در جامعه تعمیم یابد .

بدون شك تحقق ارزشهای متعالی و جهانشول منشور حقوق بشر ، فقط و فقط در پرتو حاکمیت قانون در مقیاس ملی و جهانی پیوند اساسی دارد و در افغانستان که پائینه اشیل آن ، فقدان دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر میباشد ، تطبیق معیار های مطلوب به يك سراب مبدل گردیده است .

در احوالیکه صحبت از صلح و مصالحه مطرح است ، باید پاسداران صلح واقعی و دوامدار ، از اصل اصالت و برتری قانون و رعایت ارزشهای والای منشور حقوق بشر که در فصل دوم قانون اساسی نافذ نیز تسجیل یافته است ، دفاع نمایند .

انجمن حقوقدانان افغان در اروپا بخاطر تبجیل شایسته ازین از روز جهانی حقوق بشر ، در سایت حقوق (Hoqooq. Eu) بخش ویژه یی را گشوده و به همین مناسبت مقالات اختصاصی و ارزشمند حقوقدانان و دانشمندان گرامی را به نشر میرساند و در آتیه ارزشمندیم انرا بحیث جزوه جداگانه منتشر نماییم .

با حرمت

شورای رهبری انجمن

میر عبدالواحد سادات رئیس انجمن

